

سخنرانی

● واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی به حل بسیاری از معضلات اقتصادی کشور جواب مساعد می‌دهد

● در دنیا ظرفیت هر بشکه نفت پالایشگاهها ۲۵۰۰۰ دلار بازده مثبت دارد، ما از هر بشکه ظرفیت پالایشگاههای خود ۸۹۰ دلار هم ضرر می‌دهیم

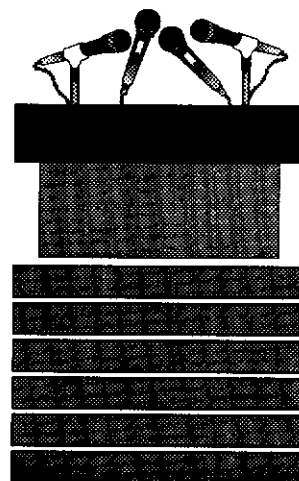
توسعه صادرات راجع به حل مشکلات صادرات کوشش کرده و قدم برداشته، جای هیچ شک و شبهه باقی نمی‌گذارد که ایشان همتش در هموار کردن راه صادرات است. انشالله خداوند ایشان را هم در کارهایش موفق بدارد.

اما وضع، وضع خاصی است و پیچیدگی‌هایی در اقتصاد مملکت وجود دارد و حالتی است که با این اقدامات، و اثرگذاری‌های اقدامات مختلف، و برنامه‌ریزی‌های مختلف چه بسا رفع مشکلات را با کندی شدید روبرو می‌کند. ما مسائلی اساسی و ساختاری داریم. من درباره آن تعبیری دارم و آن اینکه ساختار اقتصادی کشور به صورت یک بدن عفونی درآمده که بخیه را به خود نمی‌پذیرد. یک قسمت بدن که عفونی می‌شود، به دیگر قسمت‌ها هم سرایت می‌کند. مشکلات اقتصادی کشور هم متأسفانه اینگونه شده است. و این اصلاحات موضعی، بدنه اقتصاد را علاج نمی‌کند. اغلب هر چه کوشش می‌شود یک شاخه کار را جلو ببرند، این اثرگذاری‌ها اصلاً فعالیتها را خنثی می‌کند.

جناب آقای رئیس جمهور، همینطور که همه‌تان در اخبار شنیده‌اید یا خوانده‌اید، در ماه بهمن ۷۶ یکی از تصمیماتشان در هیأت دولت این بود که کمیته‌ای را به ریاست وزارت دارائی تشکیل دادند، که بنشینید و فکری برای ساماندهی اقتصادی کشور بکنید. این کمیته متشکل است از نمایندگان وزارت دارائی - سازمان برنامه و بودجه و وزارت بازرگانی. برادران کارشناس واقعاً زحمت کشیدند. مجموعه‌ای آماده کردند و این مجموعه را

علیرغم همه اشتیاقی که داشتیم که از اول جلسه حضور داشته باشم و در خدمت شما باشم، متأسفانه امروز - همانطور که شاید مطلع می‌باشید - برنامه فوق‌العاده‌ای پیش آمد که مجبور شدم در تهران بمانم و این ساعت (۵ بعد از ظهر روز پنج شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه) خدمتان برسم. قاعدتاً این اجلاس گذشته از کمیت، دارای کیفیت خاصی هم نسبت به جلسات قبل هست. خوشبختانه جلسه ما با حضور برادران عزیزی از وزارت بازرگانی تشکیل شده است؛ جناب آقای خسرو تاج - و دیگر جنابان آقایان نمایندگان وزارت بازرگانی در هیأت نمایندگان اتاق ایران و نمایندگان وزارت صنایع نیز در جلسه حضور دارند. شنیدن مطالب توسط این برادران کمک می‌کند که در حل مسائل با همکاری و همفکری یکدیگر، شتاب بیشتری بخرج دهیم و امیدوارم که این نشست، نتیجه مطلوب به دنبال داشته باشد.

در دولت فعلی، جو مواجهه با مشکلات و کوشش در رفع مشکلات، یک جو فعال است. اگر ما بدون هیچگونه رودریایی عرض کنیم که وزیر کنونی بازرگانی اینک یکی از فعالترین وزرای کابینه است، فکر نمی‌کنم سختی به گزاف گفته باشیم. واقعاً باید به موجب لم یسکر المخلوق، لم یسکر الخالق، از زحمات بیشان ایشان تشکر کنیم. خداوند انشالله به ایشان نیروی بیشتر و سلامتی بیشتر عنایت کند تا بتواند در راه حل مشکلات هرچه بیشتر موفق شود. همکاران ایشان هم به همین طریق. در اینجا باز هم باید بگویم که آنچه را آقای خسرو تاج در مرکز



متن سخنان آقای مهندس خاموشی رئیس اتاق ایران در اجلاس سراسری اتاقهای ایران در ساری

رئیس اتاق ایران:

نجات اقتصاد ما بسته به مشارکت جدی و فراگیر مردمی است

● براساس برآورد کارشناسان ۶۰ درصد از مردم کشور ما زیر خط فقر قرار دارند

● جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند چیزی بنام خط زیر فقر داشته باشد، ناچاریم برای از بین بردن فقر تلاش کنیم

● روزانه ۱۷۷ میلیون لیتر بنزین در کشور مصرف می‌شود که یارانه هنگفت آن را مردم فقیر تحمل می‌کنند

عمکرد خودم را نقد می‌کردم - خودم را مثال زدم که نام هیچ فردی را در اینجا ذکر نکنم.

• ۶ درصد زیر خط فقر

بزرگترین دغدغه، این بود که ما بیش از شصت درصد از خانواده‌ها را زیر خط فقر دیدیم. و روز بروز متأسفانه حجم این طبقات یعنی ده‌ها میلیون‌ها ایرانی اضافه می‌شود، افزوده می‌شود. یعنی ده‌ها میلیون‌ها ایرانی که داده می‌شود تا ده‌ها میلیون زیر خط فقر است. ده‌ها میلیون فقر است و هشتم و نهم و دهم، حالا یک خرده وضع بهتری دارند. خوشبختانه شخص آقای رئیس‌جمهور به خصوص به نهایت بر این مطلب تأکید دارند که هر تصمیم اقتصادی که باید گرفته شود، متضمن رفاه این ده‌ها میلیون باشد. اما تا به حال در طی بحث و گفتگوها می‌شده است، هنوز نتیجه‌ای که این تضمین را ایجاد کند، به جلسه نیامده است. اگر هم آمده هنوز شکوفا نشده است. حال من می‌خواهم راجع به این نکته با شما صحبت کنم. چون در این جمع اقتصادی - که خیلی روی ما حساب می‌کنند. متأسفانه من بدبخت می‌روم که تا چه اندازه روی ما حساب می‌کنند. جداً بدبخت می‌روم. چون خودم می‌دانم که این چنین تیسیم یا لااقل آنطور که روی ما حساب می‌کنند نیستیم.

بخش خصوصی نداریم

به عقیده من ما در این ایران بخش خصوصی، به معنای بخش خصوصی، نداریم. این دولت است که باید با سیاست‌ریزی اصولی بخش خصوصی را درست کند و آن را ایجاد کند. ملاحظه می‌فرمایید، دوستان، من دارم این نکته را مطرح می‌کنم. یک مقدار باید در بدنهٔ اجتماع روی آن کار بشود.

خصوصی سازی فراگیر

این دنباله صحبت‌های ما است از



را نتوانسته است آن را اجرا کند، امسال هم نمی‌تواند اجرا کند، و سال بعد هم نخواهد کرد. اگر به اندازه برنامه اجرا کند، و بخش خصوصی هم ۹/۳ درصد رشد سرمایه‌گذاری داشته باشد، سطح بیکاری در اندازه موجود حفظ خواهد شد والا در سال ۱۳۸۰ وضع اشتغال ما یک مشکل اساسی اجتماعی خواهد بود. این هم دغدغه دوم.

فقدان منابع مائی دغدغه سوم: منابع دولت برای سرمایه‌گذاری کجاست؟ چه منابعی دارد؟ منابع دولت فعلاً با کسری‌های روبه‌تزايد بودجه مواجه است و منبع آن برای سرمایه‌گذاری روز به روز با کمبود روبه‌رو می‌شود. همین امسال هم مجبور شدند از رقمی که آنرا یک بار کم کرده بودند، باز هم از بودجه سرمایه‌گذاری کم کنند و به بودجه جاری بيقزایند، این هم دغدغه سوم.

دغدغه چهارم حجم دولت است. و... حالا من سرتان را درد نمی‌آورم ۱۷ - ۱۸ موضوع کلی از این قبیل، دغدغه‌های اساسی دولت را تشکیل می‌دهد. جلسه هم بسیار باز است. این دو جلسه‌ای که من توفیق آن را داشتم که خدمت آقایان باشم، دیدم جداً آقای رئیس‌جمهور خیلی باز با مسأله برخورد می‌کنند. خیلی باز، در آنجا هم افراد، بی‌پیرایه، هر چه به نظرشان برسد، حتی نقد کارهای قبلی خود را عنوان می‌کنند. بعضاً فرض کنیم

خوب است. اما اثرگذاری آن روی بقیه مسائل چیست؟ اثرگذاری این مطلب روی دیگر مسائل - یا اثرگذاری بلند مدت همین جریان روی خود صنعت چیست؟ اگر قرار شود که همینطور بی‌پروا بگوئیم ارزش صادرات بالا می‌رود، ۵۰۰ تومان، ۶۰۰ تومان، ۷۰۰ تومان و ۸۰۰ تومان، بقیه مسائل در کنار آن چه می‌شود؟ چه توری را ما باید انتظار داشته باشیم؟ موقعی که تورم ایجاد شد، همین کالا چقدر قیمتش بالا می‌رود؟ این اثرگذاریها خیلی مهم است و ما نباید یک بعدی به مسأله نگاه کنیم. بگذاریم، از صحبت ایشان بیرون بیاییم که خدای نخواستہ فکر نشود من نظری نسبت به صحبت ایشان دارم.

می‌خواهم یک موضوع جدید را خدمتتان عرض کنم. شاخصها یا دغدغه‌هایی را که در این دو جلسه، تقریباً به عنوان اولویت، اکثریت به آن رسیدند، - این بود که نجات اقتصاد ما در مشارکت جدی مردمی در اقتصاد است. این نکته را همه تأکید کردند. یعنی سهم مردم در اقتصاد، در عاملیت اقتصاد، و آنچه را که موجود است، با آنچه که مطلوب است، فاصله زیادی دارد.

دغدغهٔ خاطر دوم، دغدغهٔ اشتغال است. آمار و ارقام نشان می‌دهد که اگر دولت بنا بر برنامه، سهم خود را در سرمایه‌گذاری اجرا کند، که سه سال اخیر

جناب آقای رئیس‌جمهور، ارسال کردند برای تمام وزارتخانه‌ها و مؤسسات و سازمان‌هایی که به طریقی با وزارت اقتصاد از نزدیک در تماس هستند و خواستند که نظرات مختلف راجع به این مجموعه داده شود. این نظرات داده شد. برگشت. و آنقدر اختلاف سلیقه و دیدگاه‌های مختلف از ابعاد گوناگون راجع به اقتصاد ما ذکر شد که به تعبیر من، همه را دچار گیجی کرد. مرتبه دوم که در هیأت دولت یا در شورای اقتصاد، قضیه مطرح شد، دوباره سازمان برنامه و بانک مرکزی گفتند ما طرحی تهیه می‌کنیم. آنها هم تنظیم کردند. آن هم آمد به میدان. باز اینقدر جریان پیچیده بود که ما هم در اتاق ایران با در نظر گرفتن جوانب، متوجه این نکته شدیم. ایشان جلساتی ترتیب دادند که دیروز چهارشنبه امروز پنجشنبه، جلسات ۴/۵ ساعته تا ۵ ساعته با حضور خودشان برگزار شد. در این جلسات حول و حوش مسائل بحث و گفتگو می‌شود تا شاید به راه حلی برسند. حال من سعی می‌کنم که به تعبیر رئیس‌جمهور محترم، دغدغه‌های فکری اقتصادی را خدمتتان عرض کنم، تا بدانید که ما چه دغدغه‌هایی داریم. اقتصاد ما چه چیزهایش تراحت کننده است که باید آنها را اصلاح کنیم.

دغدغه‌ها

خیلی باز، ایشان گفتند هر چه هست، دغدغه‌ها را بگوئید. تعداد موضوع‌های دغدغه‌انگیز، که هر کدام یک بحث جامع و مستقل می‌باشد - مثلاً صادرات فقط یکی از آنهاست - عنوان شد. تعداد این موارد دغدغه‌انگیز از ۱۸ فراتر رفت. همهٔ این نکات هم داخل هم است. یکی در دیگری اثر می‌گذارد.

در لحظات اولیهٔ ورودم که اینجا نشستہ بودم دیدم یکی از برادرانمان خیلی با سوز و گداز (آقای حاجی بابا خداحفظش کند)، می‌گفت برسید به داد ما که چنین و چنان شده‌ایم. این حرف در مقطع خودش بسیار

نشستی که در مشهد مقدس در خدمتتان داشتیم و کارهایی که بعد از آن انجام دادیم. حالا همانها را هم داریم بحث می‌کنیم و پی آن هستیم که دو موضوع را ثابت کنیم و به عنوان دغدغه اصلی به جلسه مذکور ببریم، تا این دو موضوع را حتماً دغدغه ما بدانند، تا بشود به آن عمل کنیم.

گام اول این است: ما می‌گوییم اکثریت اقتصاد مملکت دست دولت است. حالا من اصلاً به درصد آن کار ندارم. از ۷۵ درصد می‌گویند تا ۹۷ درصد. اما بین همه متفق‌القولند که حجم اصلی اقتصاد در دست دولت است. این حجم اقتصاد هم که در دست دولت است، طوری است که اگر این وضع عوض نشود، هر که با سیاست اقتصادی موجود و ساختار اقتصادی موجود بیاید سرکار، برای نگهداشتن این بدنه، چاره‌ای جز بزرگ کردن خودش - یعنی دستگاه دولت - ندارد. چون از قدیم و ندیم گفته‌اند: چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است. دولتی که بدنه سنگین این چنین دارد و کارهای سنگین اقتصادی دارد، منجم باشم اول تأمین نیازهای اقتصادی این بدنه را می‌کنم چون اول باید این بدنه حرکت کند تا برسد به بقیه. همه هم متفق‌القولند بر این مطلب، که این بدنه اقتصادی، اقتصادی عمل نمی‌کند. یعنی بافت اقتصادی ندارد. یعنی به تعبیری اقتصادی عمل نمی‌کند.

۶۵ درصد بودجه در اختیار مؤسسات اقتصادی دولتی

در گزارش بودجه که در مجلس مطرح شد، در پشت تریبون نقل شد که واحدهای دولتی بودجه، واحدهای صنعتی یا مؤسسات اقتصادی که در بودجه هست، در سال ۷۶ بودجه‌ای که به خود تخصیص دادند، ۱۱۵ هزار میلیارد ریال بوده است. این رقم حدود ۶۵ درصد بودجه کل کشور است. بازده آن اعم از آنچه به خزانه داده‌اند و آنچه مالیات داده‌اند زیر ۳

درصد بوده است. در سال ۷۷ این رقم رسیده است به ۱۵۰ هزار میلیارد ریال با همان حدود ۶۵ درصد بودجه. خوب، اقتصاد اینچنینی اصلاً می‌تواند پویا باشد؟ ما چه کار می‌خواهیم بکنیم؟ کجای کار را می‌خواهیم درست کنیم؟ تا هنگامی که ۹۰ درصد از درآمدهایمان، از هر طریقی هست، نفت و غیرنفت، سرازیر می‌شود در این کانال و بازده اقتصادی ندارد، وضع همین است که هست. بازده اقتصادی ندارد یعنی چه؟ یعنی به اقتصاد ملی ما کمک نمی‌کند. اول باید فکری برای این کرد. خدمت آقای رئیس جمهور عرض شد، هم دیروز، هم امروز (چهارشنبه و پنجشنبه ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ماه ۷۷)، دیروز من گفتم و امروز برادر عزیزمان آقای شریعتمدار (وزیر بازرگانی) گفتند که آقا اصلاً و ابداً اداره کردن اقتصادی واحدها در چارچوب قوانین دولت، امکان ندارد. زیرا این خودش تضاد دارد. چرا تضاد دارد؟ خدمتتان عرض می‌کنم: مدیریت، یعنی استفاده از فرصتها. شما مدیر بهتر از من هستید برای آنکه مغزتان بهتر کار می‌کند، فرصتها را بهتر از من تشخیص می‌دهید و به موقع اقدام می‌کنید. من در پیدا کردن فرصتها دنبال شما هستم و در نتیجه کارم عقب تر از شما است. در چارچوب یک واحد دولتی که قوانین دولتی بر آن حاکم است، تمام ابزار استفاده از فرصتها از مدیریت گرفته شده است. فرصت یعنی چه؟ یعنی آنکه آنان که در راس یک مؤسسه آزاد هستند برای گرداندن آن واحد نبض بازار را به بینند. به بینند کی برای خرید مواد اولیه باید وارد بازار شوند؟ از کجا بخرند؟ چقدر بخرند؟ کی بخرند؟ و چند بخرند؟ چقدر تولید کنند؟ کی تولید کنند؟ چقدر بفروشند؟ کی بفروشند؟ در چه بازاری بفروشند؟ شما این ۱۰ عامل را کنار هم بگذارید، به بینید اصلاً مدیران دولتی، این بندگان خدا که خیلی از ما فکر می‌کنیم اینها مدیریت ندارند یا چه مشکلاتی درگیر هستند. من

این دغدغه اول. که ما چکار کنیم ۹۰ درصد از اقتصادمان، اقتصاد با بازده اقتصادی باشد؟ که الان بازده اقتصادی ندارد. معنی اینکه بازده اقتصادی ندارد برای شما که واحدهای اقتصادی را اداره می‌کنید شناخته شده است. واحدی که سود نداشته باشد یعنی چه؟ یعنی بود و نبودش علی‌السویه است. بنشینند چیزی تولید کنند و از رانت‌های اقتصادی استفاده کنند. که اگر این بحث هم باز شود، آنوقت من می‌گویم کدامیک از طبقات از رانت‌های اقتصادی بیشتر استفاده کردند. آیا بخش خصوصی بیشتر از رانت اقتصادی استفاده کرده است یا بخش دولتی؟ البته این که می‌گویم بخش

دولتی استفاده کرده به معنی سوء استفاده نیست. استفاده‌ای که جبران خسارات را بکند.

تفکیک واحدهای اقتصادی از پیکر دولتی

اولین اقدام ما باید این باشد که طرحی بریزیم که کلیه واحدها و مؤسسات اقتصادی دولتی را از دولت منفک کنیم و آنها را به صورت غیر دولتی اداره کنیم. یعنی به صورت اقتصادی اداره شود. این اولین قدم، تقریباً در این قضیه اینک همه متفق‌القولند. منتها به طرق مختلف بیان می‌کنند. بعضی‌ها می‌گویند آتفهائی را که امکان دارد، بعضی‌ها می‌گویند آتفهائی را که صلاح هست و بعضی‌ها مطالب دیگری می‌گویند.

رابطه خصوصی سازی فراگیر و فقر زدائی

مطلب دوم، اگر بین واحدهای اقتصادی از دولت جدا شد، ما دغدغه دوم را اینکه در یک مرحله اگر می‌خواهیم کاری کنیم که اقتصادمان پویا شود که اهرمهای اصلاحات اقتصادی در کشور ما کار کند، باید تکلیف این ۶۰ درصد و ۷۰ درصد مردمی را که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، در یک مرحله روشن کنیم. یعنی زیر خط فقر نداشته باشیم. یک چیزی خدمت شما عرض کنم. ممکن است در ذهن شما، یا کسان دیگر این باشد که عجیب است، این فردی که به عنوان رئیس اتاق بازرگانی سخن می‌گوید، این همه درباره فقر صحبت می‌کند. این یک نوع صحنه سازی است. تو با فقرا چکار داری؟ من به فقرا کار دارم برای خودم حال می‌گویم چرا با فقرا کار دارم و می‌گویم شما هم به فقرا کار داشته باشید برای خودتان. نمی‌خواهد جانماز پهن کنید. برای فقرا سینه نزنید. ما سینه را داریم می‌زیم برای خودمان. پشت سر من نگویند این جانماز پهن کرده. باز تکرار می‌کنم: این محرومیت زدائی را بنده برای محرومین نمی‌گویم.

این قدر تقدس ندارم. من این را برای آن می‌گویم که اگر باید حیات اقتصادی سالم داشته باشیم چاره‌ای غیر از این نداریم. خوب ممکن است در بعضی از ذهن‌ها بیاید که خوب آقا، مگر این همه کشورها که در دنیا وضعیتشان بهم می‌خورد و می‌خواهند وضع خود را درست کنند، اینطور راجع به گروه‌های زیر خط فقرشان حساسیت دارند؟

جواب: ما در مملکتی زندگی می‌کنیم که انقلابی داریم، رژیم می‌داریم، که هیچ وابستگی به هیچ کمک خارجی ندارد. تمام پایه‌های این رژیم بر روی دوش ملت است. یعنی تنها پشتوانه رژیم کیست؟ ملت است. و متأسفانه، متأسفانه، حجم این ملت هم روی دوش طبقات زیر خط فقر است. لذا هیچ ابزار اقتصادی و هیچ پیشنهاد اقتصادی که متضمن بهبود وضع آنها نباشد، در اجتماع ما گیرا نیست.

تورم - دغدغه‌های اساسی

ما یکی از دغدغه‌های خاطرمان تورم است. تورم سال ده هک‌های بالای مملکت نیست. یعنی آن ۴ دهک که بالای خط فقر است، نگران تورم نیست. چه دسته‌ای نگران تورم است؟ دهک‌های زیر خط فقر. تشریف ببرید در خیابانهای بالای تهران ببینید، اکثر آرو آورده‌اند به نانهای فانتزی این نان فانتزی را چند می‌خرند؟ کیلونی ۱۵۰ تومان. در حالیکه نان سنگک را که خوراک اکثر افراد دهک‌های پائین است، وقتی ۲۰ تومان آن می‌شود ۲۵ تومان داد فریادشان بالا می‌رود. موضوع خیلی آشکار است. تورم که دغدغه خاطر است، بار اصلی آن بر روی دهک‌های پائین است. کمبودها که دغدغه است. مال افراد دهک‌های پائین است. دهک‌های بالا هر چه بخواهند، از قاچاق تهیه کنند یا بروند از خارج بیاورند، یا بروند از توی زیرزمینهای مردم بیرون بکشند، اینها برایشان آماده است. موقعی که کمبود محسوس می‌شود کسی منتظر می‌شود؟ این دهک‌هایی پائین. وضع

انها برای انقلاب غیر قابل تحمل است.

قیمتهای غیر اقتصادی

الان بزرگترین مشکل ما اینست که قیمتها را به قیمت اقتصادی نمی‌توانیم برسانیم، و با نگهداشتن قیمتها در سطح پائین، هم اتلاف منابع زیاد داریم، از جمله در سوخت، وحشتناک است. حدود ۱۷۷ میلیون لیتر سوخت در روز مصرف می‌کنیم این ۱۷۷ میلیون لیتر اگر بخواهند قیمت آن را واقعی کنند و یک دفعه هم این کار را بکنند، مشکل مربوط به کی می‌شود؟ به دهک‌های پائین. مشکل آنهایی که اتومبیل پاترول سوار می‌شوند نیست. آنها چه غم دارند که بنزین را لیتری ۱۵۰۰ تومان بخرند یا ۳۰۰۰ تومان بخرند؟ پس ما بالاترین دغدغه‌مان این است که فکری به حال مردم زیر خط فقر بکنیم. اینها چه باید بکنند؟ از این حرفها در مملکت ما زیاد زده شده است. من اقیاس می‌کنم از رهبر معظم انقلاب، که ایشان فرمودند "دستگیری از فقرا هدف ما نیست، بلکه فقرزدایی و محرومیت زدایی هدف است" ما باید کاری کنیم که دیگر فقیر نباشد. کمک نخواهد. حال کمک نخواهد بسته به چیست؟ قاعدتا" یا باید سرمایه داشته باشد، سرمایه به او بدهند - اگر اهل کار باشد - باید سرمایه به او بدهیم که کار بکند؟ این سرمایه منبعش از کجاست؟ از کجا می‌توانیم چنین منابعی به دست آوریم؟ بنده نمی‌دانم. من فقط عدد و رقم به شما می‌گویم. اگر ۶۰ درصد زیر خط فقر باشند 6×6 می‌شود ۳۶ تا، اگر ۶۰ میلیون نفر جمعیت باشیم، ۳۶ میلیون نفر زیر خط فقر خواهند بود، ۳۶ میلیون نفر زیر خط فقر، اگر هر ۵ نفر یک خانوار باشند، $7/2$ میلیون خانوار می‌شود. هر خانوار باید چقدر درآمد داشته باشد؟ اقلاً یک شغل صنعتی باید داشته باشد تا بتواند هزینه‌های خود را تأمین کند؟ الان برای ایجاد هر شغل صنعتی بطور متوسط ۳ میلیون تومان هزینه پرمی دارد. سه

میلیون تومان ضرب در $7/2$ میلیون خانوار می‌شود: 21200 میلیارد تومان. چنین منبع مالی در کشور نیست. و نه در آینده نزدیک، بلکه در میان مدت و بلند مدت هم تصور آن امکان ندارد. برای اینکه روز بروز مردم این طبقات دارند زیاد می‌شوند. ما تنها یک جا داریم که بتوانیم به آن مراجعه کنیم. برویم به سوی آن منبع.

سرمایه‌های انباشته دولتی

آن منبع سرمایه‌های انباشته در دستگاههای اقتصادی دولتی است. که اصولاً مال ملت است. دولت آنها را در تصرف گرفته که آنها را بچرخاند. منتهی نمی‌تواند بچرخاند و طبعاً یازده لازم ندارد. این دو مطلب را باهم جمع کنید، آن این است که از این طرف گفتیم یک دغدغه این است که اینها را از دولت جدا کنیم، که بیاید آنها را اقتصادی اداره کنند، از این طرف برای دستیابی به منبعی که این خط فقر را از بین ببریم از این منبع استفاده کنیم.

پیشنهاد ما این است که بیاییم تحت فرمولی، کل این سرمایه‌ها را سرانه به صورت سهام تقسیم کنیم. روشن شد؟ حال جنبه‌های مختلف این پیشنهاد را من مقداری جمع کنم و صحبت‌ها را تمام بکنم. یا چه شروطی این کار را بکنیم؟

واگذاری واحدها

۱- اینکه چگونه آنها را ارزیابی کنیم؟ جواب: چون این سهام را می‌خواهیم بدهیم به عامه مردم، و هدف این واگذاری سهام به مردم یک خط درآمدی برای خانوارها است، حتماً باید قیمت گذاری‌ها طوری انجام شود که سرمایه گذاری حداقل ۲۵ درصد سود ثابت برای سرمایه گذار داشته باشد. الان این سود موجود نیست. ما می‌خواهیم ایجاد شود. ما کلاه کسی را نمی‌خواهیم برداریم. در دست دولت چنین سودی تا حال نبوده و بعد از این هم نخواهد بود.

اداره واحدهای واگذار شده

۲- سوال می‌شود: که این واحدها را - به فرض که واگذار شد - چگونه باید اداره کرد؟ کارخانه‌ای که ۶۰ میلیون نفر سهامدار دارد، چگونه اداره می‌شود؟ جواب: اشکال دیگر تولید ما پائین بودن توان مدیریت است. چون سیستم مدیریت فعلی، سیستم پویایی نیست. اینجا ما پیشنهاد دادیم که مدیریت‌ها اکثراً روی پیمان مدیریت برود. حال می‌خواهم بگویم چگونه امور به هم متصل است. پیمان مدیریت یعنی چه؟ چگونه قرار داد ببندند؟ چگونه قرار بگذارند؟ می‌گویند فرضاً پتروشیمی اراک، با این مشخصات، اینقدر سرمایه گذاری، این قدر ماشین آلات، اینقدر بازده دارد. در دنیا پتروشیمی مشابه آن، با توجه به این نهادها، اینقدر بازده دارد. این قدر هم سهم صادراتش هست که می‌رود به بازارهای جهانی. این مشخصات را طی یک مناقصه بین المللی منتشر می‌کنیم. هر گروه آمد مدیریتش را بگیرد. یک گروه کرمای می‌آید می‌گوید من با هماهنگی همکاران در کره، مدیریت اینجا را می‌گیرم - چه می‌خواهی در مقابل؟ - سه درصد فروش را می‌خواهم. دو درصد فروش را می‌خواهم. یا اصلاً ۵ درصد می‌خواهم می‌آید جلو، ما با این کار تکنولوژی و مدیریت به کشور آورده‌ایم و با این کار به دست آنها سهمی از بازار صادرات دنیا را گرفته‌ایم.

تکلیف یارانه‌ها روشن می‌شود

به هر حال بگذارید سریع از این نکات رد شوم. صحبت‌هایی که الان سایه افکننده باید بگویم. مثلاً یارانه‌های دولتی با این کار پرداخت می‌شود. بد نیست اشاره کنم به یارانه این ۱۷۷ میلیون لیتر بنزین مصرف روزانه. طبق آمار و ارقامی که همین روزها دیدم، ما سالانه چیزی حول و حوش ۱۳ میلیارد دلار یارانه سوخت نسبت به قیمت‌های بین‌المللی می‌دهیم -

۱۳ میلیارد دلار. قیمت سوخت را هم نمی‌توانیم بالا ببریم. حالا اگر آحاد مردم در پالایشگاهها شریک شدند؛ یعنی سود آن را می‌گیرند. آیا کسی در مقابل بالا بردن قیمت سوخت مقاومت می‌کند؟

قانون کار یا ابزار؟

همین بحث شد آنجا راجع به کارگران. که اینقدر نگویند قانون کار. قانون کار. قانون کار. فکر اساسی بکنیم که اصلاً قانون کار در محیط کار ابزار نباشد این اقدام جواب آن را می‌دهد. یعنی مثل خوره، همه می‌افتند بجان کارگری که اتلاف وقت و منابع می‌کند. چون همه سهیم هستند. صحبت بر سر این است که ما بگوئیم سرمایه‌گذاری. همین دوروز هم خیلی صحبت شد. منتها سرمایه‌گذاری امنیت اقتصادی ندارد. من دارم حرفهای آنجا را می‌زنم. حالا خودم از خودم نمی‌گویم.

امنیت سرمایه‌گذاری

در اینجا سرمایه‌گذاری امنیت ندارد. امنیت ندارد. اگر ساختار عوض نشود، امکان ندارد ما با زور بتوانیم امنیت اقتصادی ایجاد کنیم. موقعی که ۶۰ درصد از مردم زیر خط فقر قرار دارند شما نمی‌توانید طرفداری از سرمایه‌گذاری بکنید. نمی‌توانید. یعنی حرف آقای جنتی خیلی برنده‌تر از حرف من در جامعه است، در جامعه‌ای که ۶۰ درصد از مردم آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند. مگر اینکه این وضع عوض شود. و اینطوری - یعنی با اجرای این طرح - ساختار عوض می‌شود. دیگر جانی برای این حرفها نمی‌ماند. این حرفها دیگر در چنان جامعه‌ای بزندگی ندارد، وقتی که همه سهیم هستند. آنوقت کار شروع می‌شود. اینها تمام نکاتی است که این دو روز در برابر آنها علامت سؤال قرار داشت، که چکار کنیم؟

من واقعا بیضی وقتها دلم بحال رئیس جمهور می‌سوزد، چه موجود باید شکسته شود. این جو با توجه به ۶۰ درصد زیر خط

فقر غیر از تغییر ساختار چاره‌ای ندارد. فکری بکنید. ما خیلی در این زمینه بحث کردیم. خیلی بحث کردیم و خودمان عقب زدیم. می‌بینیم حرف ما بر ندگی ندارد. چه کنیم. به هر حال من باز خدمت شما عرض کنم، خوشبختانه رئیس جمهور محترم به جد به فکر این هستند که راه حلی پیدا کنند. و هیچ نظر پیش ساخته‌ای هم ندارند. می‌گویند اگر به این نتیجه رسیدیم که امور اقتصادی در دست دولت متمرکز باشد، آن را متمرکز می‌کنیم. اگر به این نتیجه برسیم که باید آزاد باشد، آن را آزاد می‌کنیم ولی هیچ چیز پیش ساخته‌ای ندارند. نظرها دارد ساخته می‌شود.

نظریه اتاق ایران

این زحمتی که اتاق ایران کشیده، خیلی روی آن کار کردیم. جلسات مختلف با کمیسیونهای مختلف مجلس داشتیم. با افراد مختلف داشتیم. با شخصیتها داشتیم. با تمام وجود در پی آن هستیم که افراد آگاه آن را نقد کنند و راه بهتر پیش پای ما بگذارند. ما می‌خواهیم کاری بکنیم که اقتصاد، اقتصاد پویا باشد. تهاذهای اقتصادی جواب بدهد. ما کشور فقیری نیستیم، ولی از آنجا که مؤسسات اقتصادی ما جواب اقتصادی نمی‌دهد، روز بروز داریم نزول می‌کنیم. این وضع باید عوض شود. البته موقعی که این چیزها آزاد شد، سرمایه‌گذاری در همه رشته‌ها آزاد می‌شود. ما چه بخواهیم چه نخواهیم، یک کشور نفتی هستیم و صنایع وابسته به نفت یکی از بالاترین صنایع مزیت دار است. که متأسفانه الان در دست دولت محدود شده است. اگر واحدهای اقتصادی در دست مردم قرار بگیرد شما می‌دانید چقدر جریان عوض می‌شود؟ طبق آماری که متخصصین می‌دهند، هر بشکه ظرفیت پالایشگاه، در دنیا بطور متوسط ۲۵۰۰۰ دلار بازده دارد. ما، سال گذشته از هر بشکه ظرفیت نفتمان حدود ۸۹۰ دلار ضرر داده‌ایم. مقایسه بفرمائید. به بینید فرق از کجاست تا به کجا؟ ۲۵۰۰۰ دلار

بازده ظرفیت هر بشکه نفت. بعد ما به عنوان یک کشور نفت خیز و دارای پالایشگاههای متعدد، برای ظرفیت هر بشکه نفتمان ۸۹۰ دلار ضرر داده‌ایم. دعا

کنیم انشالله خداوند ما را و مسئولین را در راهی قرار دهد که بتوانیم کلید واقعی حل مشکلات را پیدا کنیم. انشالله.

۱۳



OMIC
OVERSEAS MERCHANDISE INSPECTION CO., LTD.
Independent Inspectors, Superintendents and Chemists
نیم قرن تجربه بازرسی کالا در جهان

بامجوز بانک مرکزی بازرسی انواع کالاهای صادراتی و وارداتی
دارای پروانه بازرسی
از موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران

در ایران یا شرکت بازرسی کاروران تماس بگیرید
تهران - صندوق پستی: ۵۷۸۹-۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۸۴۴۸۲۵-۸۴۳۹۴۶
فاکس ۸۴۲۶۵۱